خود را برای اجرای برنامه دوم آماده کنیم (قسمت اول)

برنامه دوم از تصویب نهائی مجلس شورای‏ اسلامی گذشت و اینکه برای آنکه مسجل شود با قوانین و مقررات دین مبین اسلام و قانون‏ اساسی مغایر ندارد-طبق اصول قانون اساسی- برای اظهارنظر شورای نگهبان فرستاده شده است‏ و باین ترتیب در اندک مدتی آخرین مراحل‏ تشریفات قانونی خود را طی خواهد کرد-و اگر چه با یک سال تأخیر-اما بهرحال،از ابتدای سال‏ آینده آماده اجرا خواهد شد.

پیش از اینهم نوشتیم که اگر خردمندانه بنگریم، بزرگترین سرمایه اجرای موفقیت آمیز برنامه دوم‏ سرمایه‏های ریالی و ارزی آن نیست،بلکه دانش‏ و تجربه‏ایست که از اجرای برنامهء اول کسب‏ کرده‏ایم و بحق باید از هر تجربه مثبت یا منفی‏ که در سالهای سخت بعد از آتش بس جنگ هشت‏ ساله اندوختیم بطور مثبت کمک بگیریم و این‏ ذخیرهء عظیم ملی را ثروتی غیر قابل تقویم بشمریم.

اما در بحث برنامه:

بطور کلی پنجسال آینده دولت مبلغ‏ -/238186 میلیارد ریال در اجرای برنامه دوم‏ هزینه خواهد کرد که به این ترتیب بین پنجسال‏ دوره برنامه سرشکن شده است: سال 1374\معادل‏\36394\میلیارد ریال

سال 1375\معادل‏\41296\میلیارد ریال

سال 1376\معادل‏\46733\میلیارد ریال

سال 1377\معادل‏\52938\میلیارد ریال

سال 1378\معادل‏\60825\میلیارد ریال

جمع پنجساله‏\238186\میلیارد ریال

نگاهی به ارقام فوق نشان میدهد که هر سال‏ بترتیب هزینه‏های اجرای برنامه افزوده‏ میشود این امر ناشی از این نکته است در انتظار میرود با به نتیجه رسیدن طرحهای جدید و احتمالا افزایش درآمد ایران از نفت و دیگر منابع مالیاتی و درآمدهای حاصل از اعمال تصدی‏ دولت،بر قدرت مالی دولت افزوده شود و بتواند برنامه‏های پر هزینه‏تر و طبعا بزرگتر و پر سودتری‏ را بمرحلهء اجرا بگذارد.

رشد اقتصادی کشور در طول برنامه دوم‏ سالانه 1/5 درصد در نظر گرفته شده است،که از رشد 2/8 درصدی هدف برنامه اول معادل 1/3 درصد در سال کمتر است.لیکن این رشد با توجه به شرائط مالی فعلی کشور و پیش‏بینی قیمت‏ جهانی نفت،واقعی‏تر بنظر میرسد و استمرار آن‏ در دورانهای بعدی مطمئن‏تر است.امروز تقریبا همهء برنامه‏ریزان به این نتیجه‏ رسیده‏اند که رشد آهسته‏تر ولی مداوم،مستمر، فراگیر و هماهنگ بمراتب بهتر از رشد شتاب آمیز است که مانند نور فلاش بدرخشد و سپس خاموش‏ شود.

مسأله مهم در امر برنامه‏ریزی هماهنگی بین‏ درآمد و هزینه است بنحوی که از یک سو منابع درآمد را رشد دهد و نه اینکه آنرا بخشکاند و از دیگر سو منابع درآمد را ضروری‏ترین امور بکار گرفته شود و بتدریج به دیگر مسلئل ثانوی و پائین‏دستی سوق‏ داده شود.سه دیگر آنکه منابع درآمد با بهترین‏ بازده‏های ممکن بکار گرفته شود و با اقتصاد ملی‏ عجین شود و از آنجمله سطح اشتغال را در داخل‏ کشور بالا ببرد.طرف دیگر هر درآمدی،طبعا هزینه است.اگر ما تمام سعی خود را در کسب‏ درآمد بیشتر بکار ببریم و حتی در این راه موفق‏ شویم،لیکن در هزینه‏هامان رعایت اعتدال‏ را نکنیم به نتیجهء مطلوب دست نیافته‏ایم.

خوشبختانه در برنامهء دوم بطرز وسواس گونه‏ای‏ به کنترل هزینه‏ها توجه شده است.بالاخره‏ باید مصرف سرانه در جائی مهار شود.نویسنده‏ همین امروز مشغول تهیه گزارشی بود که نشان‏ میداد سرانه مصرف الکتریسیته در کل کشورهای عضو کنفرانس اسلامی(که ایران هم جزو آنست)462 کیلووات ساعت است در حالیکه در ایران مصرف‏ سرانه الکتریسیته 724 کیلووات ساعت است.

حال اگر از کل مصرف الکتریسیته کشورهای اسلامی‏ که 41400083 میلیون کیلووات ساعت است سهم‏ ایران را که 38770 میلیون کیلووات ساعت است‏ کسر کنیم و سپس رقم بدست آمده را بر جمعیت‏ کشورهای اسلامی(با کسر رقم جمعیت ایران) تقسیم کنیم،خواهیم دید که اختلاف بارزتر میشود یعنی در برابر 384 کیلووات ساعت مصرف‏ متوسط سالانه در دیگر کشورهای اسلامی،ایران‏ 724 کیلووات مصرف سرانه متوسط دارد.در مقیاس‏ جهانی نیز ما جزو کشورهای ردیف بالای مصوف‏ کننده الکتریسیته هستیم و اگر به هموطنان‏ عزیزمان برنخورد اصولا جزو کشورهائی‏ هستیم که کصرف بیش از اندازه را یکنوع تجمل و وسیله فخرفروشی میدانیم.درحالیکه اگر میخواهیم ایران آبادتر و بهتری تحویل‏ فرزندانمان بدهیم باید کمتر مصرف و بیشتر سرمایه‏گذاری مولد کنیم.(توجه داشته باشید که‏ اتلاف وقت در برابر اتلاف دیگر منابع ثروت‏ بمراتب مهمتر است)بهرصورت،براساس گزارشی‏ که مخبر کمیسیون تلفیق مجلس به مجلس شورای‏ اسلامی داد،در برنامه دوم پیش‏بینی شده است رشد مصرف بخش خصوصی فقط 4 درصد افزایش‏ یابد رشد مصرف بخش دولتی منهای 9/0 درصد باشد و بهر وصرت با در نظر گرفتن امکانات منابع‏ داخلی رشد متوسط سالانه تولید ناخالص ملی‏ 1/5 درصد بصورت هدف برنامه در نظر گرفته‏ شده است.رشد متوسط تورم که در سالهای اخیر بین 27 درصد تا 30 درصد در نوسان بوده است، 4/12 درصد در نظر گرفته شده است.اینکه آیا بتوانیم تورم فعلی را در این رقم اخیر محدود کنیم یا نه جواب آن به یکسال آینده بسته است‏ لیکن بنظر نویسنده این سطور،رسیدن به این‏ رقم بسیار دشوار و غیر متحمل است.البته‏ توجهی که به کشاورزی شده که جزو نیازهای‏ اساسی مردم است و بیشتر بر منابع داخلی متکی‏ است و در عین حال جزو طرحهای کوتاه‏مدت‏ محسوب میشود که تورم زائی کمتری دارد،یک‏ عامل امیدوارکننده است،لیکن در مجموع‏ اقتصاد ملی کشورمان که هم از حیث درآمد و هم‏ از حیث هزینه وابستگی زیادی بخارج دارد دشوار میتوان پذیرفت که تورم در سطح پیش‏بینی شده‏ مهار شود،اما صمیمانه آرزو داریم که چنین شود و در برنامه سوم حتی به تورم یک رقمی و احیانا تورم معقول(که بین 3 تا 4 درصد در سال تعیین‏ شده)برسیم.بهر صورت برای پائین آوردن‏ تورم،یکی از ابزار مؤثر کاهش نقدینگی است‏ تا مقدار کمتری پول در برابر مقدار معینی کالا قرار بگیرد و طبعا فروشنده راضی یا ناچار شود کالای‏ خود را ارزانتر بفروشد.لیکن اجرای یک برنامهء عمرانی عظیم به‏هرحال پول میخواهد.البته‏ شایسته‏تر اینست که این پول از منابع موجود مثل‏ درآمدهای دولت تأمین شود،اما در زمانیکه‏ درآمد دولت محدود و صنایع موجود کشور نیز با دشواری نقدینگی روبه‏رو هستند و احیانا اوراق‏ قرضهء ملی نیز-در صورت انتشار-جوابگوی تمام‏ تقاضا نباشد و منابع ارزی نیز بشدت محدود باشد تنها راه ناگزیر بدهی دولت از بانک است(که‏ بنوبه خود البته عاملی تورم‏زا محسوب میشود) بهرصورت در برنامه دوم اجازه داده شده است‏ خالص بدهی‏های دولت و بخش غیر دولتی به‏ بانکها 43 هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کند که‏ یک ششم کل هزینه برنامه میباشد.بهر صورت‏ برای حل مشکل نقدینگی بخش خصوصی-که‏ اینک یکی از دشواریهای مهم تولیدی کشور محسوب میشود-مقرر شده است 55 درصد از وامهای واگذاری بانکها،به بخش خصوصی و 45 درصد به بخش تعاونی و دولتی واگذار شود.

باین ترتیب در جهت پیشبرد بخش خصوصی یک‏ گام اساسی برداشته شده و همچنانکه دولت امیدوار است در اجرای برنامه دوم مهمتزین نقش را بخش‏ خصوصی ایفا کند،مهمترین سهم اعتبارات بانکها را نیز برای این بخش در نظر گرفته است:نکته‏ایکه‏ میماند اینست که شرائط واگذاری این اعتبارات‏ سهل و سازگار با ساختار فعالیتهای بخش خصوصی‏ باشد تا جذب شود و الا این ارقام بر روی کاغذ باقی خواهد ماند.منتهی در هر مورد استفاده‏ صحیح از اعتبارات و نتایج حاصل از آنها باید مورد بازرسی و ارزیابی صحیح قرار گیرد و در هر مورد که نتیجهء صحیح بدست نیاید با طرح‏ مربوط اصلاح شود و یا اعتبار موردنظر به طرحی‏ سودمندتر اختصاص دهد.بدیهی است این امر شتاب‏زده نباید باشد و بادر نظر گرفتن فرصت‏ لازم یا مهمتر از آن مطالعات اولیه کافی و دقیق‏ صورت گیرد.

یک مشکل اساسی که اینک افتصاد کشور،اعم‏ از بخش صنعت،معدن،کشاورزی،بازرگانی‏ و خدمات با آن روبه‏رو است مسأله بدهی‏های ناشی‏ از تغیر نرخ رسمی ارز و یک‏نرخی کردن ارز در سطح رسمی 1750 ریال است(در حالیکه در بازار سیاه تا 2750 ریال نیز معامله میشود.)

بازرگانان و صاحبان صنایع متعددی از بانکها اعتبارات ارزی 600 ریالی گرفته‏اند و حتی برخی‏ از آنها واریزنامه ارزی هم داده‏اند،منتهی‏ وزارت صنایع در واریزنامه قید کرده است که‏ واریز قطعی ارزهای اروپای شرقی موکول به‏ تائید آن از سوی بانک مرکزی است.اینک‏ بانک مرکزی در برابر اینگونه واریزنامه‏ها میگوید: من معادل ریالی ارز را به هیچ قیمتی نمی‏خواهم، بلکه خود ارز را میخواهم.بروید از بازار آزاد بخرید و ارز خود را تحویل دهید و واریزنامه‏ قطعی دریافت کنید.صنایع دولتی که ارز 70 ریالی گرفته‏اند و حالا باید با ارز 1750 ریالی‏ آنرا تصفیه کنند،وضعی بهتر از این ندارند.

طبعا به این ترتیب حجم بدهی دولت در نزد بانک ملی بالا میرود و بانک به ازای آن میتواند اسکناس چاپ کند که نقدینگی جامعه را بالا میبرد و تورم را دامن میزند.برای حل این‏ مشکل به گزارش مخبر کمیسیون تلفیق،مقرر شد استفاده از حساب ذخیرهء تعهدات ممنوع شود و مقرر شده است در مقابل هر دلاری که تعهد ارزی‏ دریافت میشود،ریال آن قبلا تأمین شده و به‏ بانک مرکزی پرداخت شود تا اضافه انتشار اسکناس-لا اقل از این بابت پیش نیاید.

ملاحظه میکنید که تغییرات و تحولات عظیم و بنیانی خواهد بود و بهمین جهت ضروی است‏ دستگاهها در فاصلهء اندکی که تا اجرای برنامهء عمرانی دوم باقی مانده است،خود را مهیای‏ پذیرش این تغییرات سازند و برای اجرای برنامه‏ دوم آماده شوند.

مسأله اشتغال

یکی از نکات اساسی که برنامه دوم به آن توجه‏ خاص معطوف داشته،بالا بردن سطح اشتغال‏ در جامعه است.در حقیقت سرمایه‏گذاری ثابت‏ برنامه دوم معادل 14 هزار میلیارد ریال خواهد بود و در مقابل این سرمایه‏گذاری عظیم پیش‏بینی‏ شده است 2 میلیون شغل جدید ایجاد شود.

(یعنی برای هر شغل 7 میلیون ریال،که با وضع فعلی اقتصاد ایران رقمی واقعی و منطقی‏ بنظر میرسد).با وجودیکه اولویت اول در برنامه‏ به کشاورزی داده شده است،در ایجاد شغلهای‏ جدید بالاترین سهم را صنعت خواهد داشت و پس از آن خدمات خواهد بود(با 695 هزار شغل‏ جدید)و در بخش کشاورزی 214 هزار نفر بکار جدید مشغول خواهند شد.علت هم روشن است.

کشاورزی ما اینک بیش از آنکه به نیروی جدید نیاز دارد به اصلاح ساختارها برای بالا بردن‏ راندمان(بازده)تولید و پر کردن اقات بیکاری‏ کشاورزان نیاز دارد.

خوشبختانه یک گام اساسی که در آخرین‏ روزهای تصویب نهائی برنامه دوم برداشته شد، توجه به صنایع تبدیلی کشاورزی بود.مهم این‏ نیست که این صنایع از وزارت صنایع جدا شد و به وزارتخانه‏های کشاورزی و جهاد سازندگی‏ واگذار گردید.مهم اصل توجه است.البته‏ اصل مسأله اینست که چون وزارتخانه‏های کشاورزی‏ و جهاد سازندگی بیشتر با روستاها سروکار دارند از نزدیک با کشاورزان سروکار دارند و روزمره شاهد تلف شدن بسیاری از محصولات گرانبهای‏ کشاورزی و دامی هستند و بهتر میتوانند برای‏ ایجاد صنایع تبدیلی بمنظور بالا بردن ارزش‏ افزوده تولیدات و جلوگیری از فاسد شدن محصولات‏ قیل از رسیدن به دست مصرف‏کننده نهائی، اقدام نمایند.برای این کار بهتر است از اشتغالات‏ بیهوده و هزینه‏زا پرهیز شود و از همان کشاورزان‏ موجود استفاده شود تا مساعات بیکاری آنها را پر کند و درآمد آنها را بالا ببرد.البته این امر چیزی از اهمیت ایجاد اشتغال نمی‏کاهد زیرا اشتغال مفید و مولد سرچشمه تولید ثروت و عامل‏ مهم گسترش عدالت اجتماعی است و حق مسلم‏ هر شهروندی است که شغل و درآمد مطلوب و زندگی قابل قبولی داشته باشد و در همان حال‏ از مصرف بی‏رویه خودداری کند و بعکس سعی‏ کند سهمی از تولید کالا یا خدمات خود را برای‏ صادرات کنار بگذارد-که البته سودمندی این‏ امر موکول به داشتن برنامه‏های صحیح در سطح‏ مملکتی است.

صحبت از صادرات شد،بد نیست اشاره کنیم‏ که قرار است در برنامه دوم 91 میلیارد دلار واردات‏ داشته باشیم(یعنی واردات سالانه در سطح‏ 18 میلیون دلار محدود شود که 10 میلیارد دلار کمتر از رقم مربوط به واردات سال 72 میباشد) با اینهمه همین رقم در پنجسال متوالی،رشد 3/4 درصدی در سال را نشان میدهد که رشد معقولی به نظر میرسد.در مقابل 91 میلیارد دلار واردات در برنامه دوم معادل 100 میلیارد دلار صادرات برآورده شده است(یعنی سالانه بطور متوسط 20 میلیارد دلار که البته نفت هم در این‏ رقم منظور شده است)به این ترتیب سالانه‏ نزدیک به 2 میلیارد دلار اضافه صادرات بر واردات خواهیم داشت که از محل آن سهمی از بدهی‏های خارجی ما پرداخت خواهد شد.

در برنامه اول قرار بود جمعا 17 میلیارد دلار صادرات غیر نفتی داشته باشیم یعنی‏ سالانه 3 میلیارد و 400 میلیون ریال.در برنامه‏ دوم این رقم به 27 میلیارد ریال یعنی سالانه‏ 5 میلیارد و 400 میلیون دلار افزایش یافته‏ است که به بازار آمدن محصولات پتروشیمی و توسعهء صنایع فولاد-مس-سیمان و نظائر آن‏ رقمی غیر واقعی بنظور نمیرسد.البته در برنامه‏ اول صادرات،در عمل بیش از رقم احصاء شده‏ بود زیرا که بسیاری از کالاها بصورت قاچاق‏ صادر و وارد میشود و در حقیقت مدریت بر روی‏ ارز صادراتی صحیح انجام نمیشود در برنامه‏ دوم باید دقت کنیم که همهء صادرات احصاء شود و از طریق آزاد ساختن منطقی مبادلات‏ مرزی،کالاهای قاچاق را نیز در حدی که خلاف‏ مصالح ملی نباشد بصورت رسمی درآوریم و اگر خلاف مصالح ملی است بکلی جلوی قاچاق‏ اینگونه کالاها را بگیریم و از عرضه کالای قاچاق‏ در سبکه توزیع کشور جلوگیری نمائیم.

برای تحقق بخشیدن صادرات کالاهای غیر نفتی‏ تدابیر اساسی از جمله تشکیل شورای عالی صادرات‏ تأسیس و فعال کردن مجدد صندوق ضمانت‏ صادرات-ایجاد تسهیلات در حمل و نقل و ایجاد تسهیلات گمرکی در نظر گرفته شده است.

نکته مهم اینست که دشواریهای مالی و ارزی‏ چند سال اخیر خوشبختانه به ما درسی اساسی‏ آموخت و آن اینکه بدون توجه به قرولند،این با آن مصرف‏کنندهء تجمل‏گرا،واردتمان را در حد قدرت خریدمان محدود کنیم و به اضافه درآمد ارزی بطور جدی فکر کنیم تا بتوانیم بدهی‏های‏ ناخواسته‏ای را که عمدتا از سؤ مدریت در تجارت خارجی و در محاسبات بانکی سرچشمه‏ میگرفت،پرداخت کنیم و تجارت خارجی خود را به روال عادی بازگردانیم.بر این اساس‏ پیش‏بینی شده است که بدهی‏های خارجی خود را در پایان برنامه دوم 8 میلیارد و 206 میلیون‏ دلار کاهش دهیم و تعهداتمان حد اکثر از 25 میلیارد دلار تجاوز نکند.

نکته جالب توجه اینست که در برنامه دوم هر سال مجلس با ارزیابی عملکرد برنامه سال قبل‏ و با توجه به قدرت عملکرد واقعی و پیش‏بینی‏های‏ واقعی‏تر میزان و اعتبارات سال بعد را تعیین‏ میکند و باین ترتیب یکی از وظائف مجلس که‏ بازرسی امور کشور میباشد به شکل مؤثرتری بمرحلهء اجرا گذاشته میشود.